



وقت‌ها این ابهاماتی که پدید آمده، در درست عمل نکردن مسئولان گذشته است. یک مقدار شل‌کن و سفت‌کن‌ها سلیقه‌ای بوده است. من شورایی گذاشته‌ام و همه آیین‌نامه‌ها را داریم به‌روز می‌کنیم. انشاءالله همه برنامه‌ها را بعد از عید ابلاغ می‌کنیم. در سینما، در تئاتر، در موسیقی که یک بازیگر یک تهیه‌کننده و کارگردان بدانند ما به چه چیزی مجوز می‌دهیم و به چه چیز مجوز نمی‌دهیم.

این آیین‌نامه‌ها صرفاً سلبی است یا ایجابی هم هست؟ مثلاً جامعه ما الان نیاز به تزریق امیدواری اجتماعی دارد. شما ابلاغ می‌کنید که در آثار هنری تان این را الان ما از شما می‌خواهیم؟

ببینید به این معنا حوزه هنر جای ابلاغ نیست، حوزه هنر این است که شما می‌گویید من این نباید‌های حداقلی را دارم که باید رعایت شود اما اگر من قرار شد به محصولی پولی بدهم و حمایت کنم بله می‌گویم این را می‌خواهیم مثل یک تهیه‌کننده. من می‌گویم آقای فلانی شما می‌توانید در موسسه‌تان سه تا فیلم برای دفاع مقدس تولید کنید و من حمایت کنم؟ ایشان می‌گویند بله می‌توانم و من می‌گویم خب پس من حمایت می‌کنم، پس بیا با هم مشارکت کنیم. فیلمنامه‌ها را بیاور فارابی، فارابی نگاه‌کنند و شورآ تصویر کنند، در این اتاق ناظر من باشد، من اینها را می‌خواهم، ولی فیلمی که در بیرون ساخته می‌شود را من نظارت حداقلی می‌کنم و می‌گویم جامعه هنجارهایی دارد که باید رعایت بشود. اگر قرار شد خانمی نشان بدهند که به مرد نامحرم دست می‌زند، من این را اجازه پخش نمی‌دهم. باید بدانند و رعایت کنند. مسائل شرعی خط قرمز است. من حتماً اجازه نمی‌دهم که قبر و قیامت به خاطر نوع مدیریت به خطر بیفتد. من به خاطر اینکه ۴ نفر بخواهند از من راضی باشند، احکام الهی را زیر پا نمی‌گذارم. من حتماً سر احکام الهی قرص می‌ایستم و روزی اگر بخواهم از این عقب نشینی کنم، دیگر من با این ماهیتم نیستیم و دوست ندارم آن روز را ببینم.

پس رویکرد شما حمایتی و نظارتی است، اینکه پرسیدم رویکردهای ایجابی را ابلاغ می‌کنید به این معنا هم هست که در حوزه تولید محصولات فرهنگی هدف گذاری و ریل گذاری هم انجام می‌دهید؟

بله، ما در جشنواره امسال گفتیم که ما فیلم سیاه نمی‌خواهیم. گفتیم باید امید در فیلم‌ها باشد. جامعه ایرانی به اندازه کافی فشار و مشکل دارد. ما حتماً این کار را می‌کنیم در آنجایی که قرار است انتخاب کنیم. ما حتماً سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری می‌کنیم. ما معتقدیم جامعه هنری ما، جامعه فرهیخته‌ای است. من این را اغراق نمی‌کنم و بخاطر خوشامد اهالی هنری نمی‌گویم که از من خوششان بیاید. نه من آن روزی که در جشنواره

آمدم و صحبت کردم، گفتم کسی حق ندارد با اهالی فرهنگ و هنر با ادبیات غیر فرهنگی صحبت کند. به صراحت گفتم و شاید این گفتن ما هزینه دارد و بعضی‌ها دوست ندارند و می‌گویند شما چرا از اینها دفاع می‌کنید. آقای رئیس‌جمهور را بردیم به موزه هنرهای معاصر که هیچ رئیس‌جمهوری نرفته بود. ایشان یک ساعت تمام تابلوها را دیدند و با هنرمندان نجیب تجسمی دیدار کردند. هنرمند فقط چند تا سلبی‌تی و چهره سینمایی نیست.

در ادبیات امام و رهبری در مقابل جریان روشنفکری، جریان تحجر هم داریم. تقابل تان با جریان تحجر چگونه است؟

یکی از دغدغه‌های بنده که شاید وقتی بتوانم کتابش کنم، حل دوگانه‌های مهم در جمهوری اسلامی است. دوگانه‌هایی مانند اسلامیت و ایرانیت، تجدد و سنت. در رابطه با تحجر به نظر امام (ره) هر چقدر به پایان عمرش نزدیک‌تر شد، ادبیاتش صریح‌تر شد و اوجش هم همین منشور روحانیت است که بیان می‌کنند ما با تحجر نسبتی نداریم. تحجری که اگر رهاش کنیم، می‌گوید سینما تعطیل شود، فعالیت خانم‌ها را محدود کنید، تحجری که می‌گوید چه دلیلی دارد خانم‌ها در حوزه‌های فرهنگی و هنری و اجتماعی باشند. من واقعاً تلاشم این است که از خط فکری امام که خیلی شفاف در مورد تحجر اظهار نظر کرده، دچار عقب‌رفتگی نشویم. مثلاً نمونه‌اش همین سریال پانز صحرای سال ۶۶. آنجایادم هست که ولوله‌ای شده بود و خب یک تلویزیونی بود و یک شبکه‌ای بود و عصر جمعه‌ای بود و پانز صحرای پخش می‌شد و ما دوم راهنمایی بودیم. امام آمد از سریال دفاع کرد و گفت پیام‌های اخلاقی خوبی دارد فقط گریمور خانم بازیگر مرد نباشد و بحث را عوض کرد. در حوزه موسیقی خب ما این تفکری داریم که موسیقی را حرام می‌دانند و تقلیدی هم دارند که محترم هستند ولی ما در حوزه موسیقی فقه امام و رهبری برای مان مرجعیت دارد و این خط فاصله روشن هم با جریان روشنفکری دارد و هم با جریان تحجر و این کار را سخت کرده است. سال ۶۸ که امام فوت کردند، من مقلد آیت‌الله گلپایگانی بودم، آقای گلپایگانی موسیقی را مطلقاً حرام می‌دانست و تقلدین ایشان مارش اخبار را هم گوش نمی‌کردند و خاطرم هست ایشان می‌گفت موسیقی مطلقاً حرام است. بعد که آقای گلپایگانی فوت کردند ما مقلد آقای بهجت بودیم. آقای بهجت فتوایش مثل آقا بود. حتی فروش آلات موسیقی هم به قصد کار حلال اشکال ندارد یا شنیدنش اشکال ندارد. اما من مقلد آقای بهجت باشم نمی‌توانم بپایم این را مسأله حکومتی کنم. در حکومت، ولایت فقیه تعیین‌کننده است. من مرز تحجر را این می‌دانم. می‌دانم سخت هم هست تفسیر عملی‌اش ولی به هر حال در حوزه فرهنگ و هنر ما یک

مقدار هم ما بایستی با صبر و آرامش با عزیزان فرهنگ و هنر تعامل کنیم. ما قرار نیست اینجا مثل پلیس سر چهارراه عمل کنیم. فرهنگ و هنر ذاتش یک مقدار صبر و آرامش را برای پیشبرد مسائلش می‌خواهد و ما این را می‌فهمیم. ما صفر و صد نداریم در این حوزه و باید قائل باشیم که اجازه نداریم همه سلیقه‌ها را تعطیل کنیم. در حوزه فرهنگ و هنر تا آنجایی که می‌توانیم ما باید به تنوع و تکرر سلیقه‌ها احترام بگذاریم. این را من اعتقاد دارم. این چیز مهمی است. در حوزه هنر ما نمی‌توانیم مثل یک چراغ قرمز چهار راه عمل کنیم. نه این نیست. حوزه فرهنگ و هنر یک حوزه متنوع و متکثر است و خطوطش به آن معنا پر رنگ نیست. باید امکان رفت و آمد فراهم باشد ولی احکام شرعی برای ما خط قرمز محسوب می‌شود. در این میان یک تنوعی از سلیقه‌ها می‌توانند و باید باشند.

مخاطب ما ۸۰ میلیون جمعیت ایران است. شما چه کار می‌خواهید بکنید و چه برنامه‌ای دارید که مخاطب تولیدات فرهنگی همه مردم ایران باشند؟

در حوزه خدماتی که به بخش متدین می‌دهیم خیلی مشکلی نداریم. در سازمان حج و زیارت مان امسال ان شاءالله برای حج ۵۰۰ هزار نفر اعزام می‌کنیم. در سازمان اوقاف مشکلی نداریم و کارهای مان مشخص است. آن جایی که مشکل داریم در حوزه‌های محتوایی هنر است. ما می‌توانیم چتری را تعریف کنیم که همه را زیرش قرار بدیم. به این معنا که ما بتوانیم

اگر من قرار شد به محصولی پولی بدهم و حمایت کنم بله می‌گویم این را می‌خواهیم مثل یک تهیه‌کننده. من می‌گویم آقای فلانی شما می‌توانید در موسسه‌تان سه تا فیلم برای دفاع مقدس تولید کنید و من حمایت کنم؟ ایشان می‌گویند بله می‌توانم و من می‌گویم خب پس من حمایت می‌کنم، پس بیا با هم مشارکت کنیم.

با جهت‌دهی مثبت و حرکت‌های ایجابی فضای تولید فرهنگی را دامن بزنیم. نکته دیگر این است که شما بپذیرید که حوزه فرهنگ و هنر هم به تبع مناسبات دیگر جامعه دچار قبض و بسط می‌شود یعنی اگر فقر در جامعه بیداد می‌کند این به هر حال در هنر بازتاب پیدا می‌کند. به همین دلیل در حوزه توسعه وقتی ما صحبت می‌کنیم همیشه می‌گویم توسعه متوازن. آگه توسعه نامتوازن بشود، ایجاد بحران می‌کند. مثلاً ما امروز مشکلی داریم به نام حاشیه نشینی یا طلاق. آیا مشکل حاشیه نشینی و طلاق نباید در فیلم‌های ما انعکاس داشته باشد؟ اینکه سینمای ما باید امیدزا باشد و سیاه‌نمایی نکند، به این معنی نیست که واقعیت‌های جامعه را نبینند. فلذا با یک مجموعه متغیرهای مختلفی روبرو هستیم. آمارها نشان می‌دهند که ۲۴ درصد از مردم در سال حداقل یک مرتبه سینما می‌روند. ۲۴ درصد عدد زیادی است. بعضی‌ها حرفه‌ای‌ترند که اینها از قضا جریان فرهیخته‌ای هستند. خب یک طیفی ممکن است به هر دلیل مخاطب ما نباشند. بعضی‌ها به لحاظ جهت‌گیری‌های مذهبی این فاصله را دارند و بعضی‌ها هم به لحاظ جهت‌گیری‌های روشنفکری یا نوع سطح زندگی‌ای که دارند و مثلاً از ما فیلمی می‌خواهد که در آن هنجارهای اخلاقی رعایت نشود.

یک مسأله‌ای که وجود دارد اعمال سلیقه است. اینکه گفته می‌شود نظارت‌ها سلیقه‌ای است و اینکه چه فیلمی تولید شود و چه فیلمی